

سرمقاله



حسن اکبری بیرق

نهمین شماره خاطرات سیاسی در تابستان 1399 هنگامی منتشر می‌شود که ایران و جهان هنوز درگیر بیماری همه گیر کرونا (کووید19) است. در آغازین روزهای پدیداری این مصیبت جهانی شاید کسی گمان نمی‌کرد که این دردِ فعلا بی‌درمان چنین طولانی، گسترده و ژرف همراه ما بوده، جمیع شوون بشری را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. هنوز زود است که ابعاد متعدد و پیدا و پنهان این پدیده مورد مذاقّه علمی قرار گیرد؛ اما در همین مدت نُه ماهه نشانه‌هایی از عمق تأثیرگذاری آن هویدا شده‌است که شاید بیشترین نمود آن پس از «نظام سلامت جهانی» در «سیاست» قابل ردیابی است. نمی‌توان انکار کرد که کرونا همه چیز را تغییر داده‌است و می‌دهد؛ ولی از کنار این هم به‌راحتی نمی‌توان گذشت که این همه‌گیری خانمان برانداز، مناسبات قدرت را در همه جهات آن متحول ساخته است. این تحول، ظرفیت آن را دارد که در تغییر پارادایم‌های سیاست ورزی ملی و بین‌المللی، نقش ایفا کند. تاریخ علم نیز حکایت از آن دارد که تحولات بنیادین در زمینه و زمانه‌ای ناخواسته و نامنتظر ایجاد شده‌است. البته همان تاریخ نیز گواه آن است که این پیشامدهای به ظاهر تلخ تیغ دودم بوده، هم می‌توانند فرصتی برای تغییر الگوهای نظری و عملی باشند و هم تهدیدی خانمان‌سوز؛ مهم نحوه برخورد با این مسأله است و پایه‌ریزی میانی تئوریک برای همزیستی درازمدت در سایه آن.

ما برآنیم که در شماره‌های آتی با محوریت سیاست و امر سیاسی، عواقب ریز و درشت همه‌گیری کرونا را در کشورمان، بکاویم و بررسییم. به نظر می‌رسد از رهگذر این عطف توجه و تأمل روشمند، بتوان روندها و فرایندهای معیوب و لااقل غیرضرور را در نظام مدیریت خرد و کلان جامعه، شناسایی نمود. برای نمونه در این روزگاران میزان توفیق کنش‌های غیرحضور و غیرفیزیکی سیاسی، اجتماعی، به بهترین نحوی به محک تجربه زده‌شد و وسعت و دامنه تأثیر آن، مشخص گردید. همچنین است در عرصه تحولات زبانی، رد پای کرونا را می‌توان دید و دریافت

که چسان ادبیات گفتاری، نوشتاری و ژانر طنز و فن^۳ استعاره و نظم گفتار سیاسی را تغییر داده‌است. اینها همه نیازمند رویکردی جدی و رهیافتی علمی برای تبیین و تحلیل و در نهایت درس-آموزی است که در آینده با یاری شما خوانندگان در این فصلنامه بدان خواهیم پرداخت.

از اینها که بگذریم باید به پرونده اصلی این شماره- امام موسی‌صدر- و فلسفه وجودی آن اشاره کنیم. مسأله بغرنج و حل‌ناشده ناپدیدسازی این شخصیت بزرگ و سیاستمدار سترگ را شاید بتوان در زمره پنج خاطره سیاسی، انسانی مهم و فراموش‌ناشدنی در قرن بیستم به شمار آورد. از آنجا که این پرونده هنوز مفتوح است و به سرانجام حقوقی و حقیقی خود نرسیده، پرداختن بدان در چنین جایگاهی، شایسته و بلکه بایسته است؛ بایسته از این جهت که میراث عملی و نظری موسی‌صدر، از چنان قوت و قدرت و پویایی برخوردار است که در عرصه‌های مختلف می‌تواند الگویی قابل پیروی برای رهبران جهانی و منطقه‌ای باشد. در جهانی که نژادپرستی، استبداد دینی، خشونت مذهبی، منازعات قومی و قبیله‌ای، کینه‌توزی و نفرت‌پراکنی، سکه رایج در مناسبات انسانی و سیاسی، اجتماعی شده‌است، جای خالی نگاه رواداران، بردبارانه، غیر متجزم و دوراندیشانه امام‌صدر، کاملاً احساس می‌شود. بنابر آنچه هنوز در خاطره‌ها مانده و در افواه عامه در جریان است و در کتب و رسالات و مقالات آمده، افق نظر و گستره عمل موسی‌صدر به گونه‌ای بوده‌است که از اسلام و تشیع، تصویری رحمانی به دست داده‌شده بود؛ تا آنجا که نه تنها مسلمانان اهل تسنن را همراه خود ساخته بود بلکه مسیحیان و اقوام و طوایف مختلف لبنان بدان گرایش پیدا کرده بودند. به دیگر سخن امام موسی‌صدر در خود و یاران خود و تشکیلات منسوب به خویش چنان هاضمه‌ای قوی و فراخ ایجاد کرده بود که می‌توانست ارباب ادیان و عقاید و دیدگاه‌های مختلف را دور خود جمع کند و برای هدفی واحد که در جایگاهی فراتر از تفاوت‌های معمول قرار دارد، به حرکت وادارد. سیره صدر مبتنی بر جذب حداکثری بر پایه تکیه بر مشترکات و تأکید بر اهداف متعالی بود که آن خود نیز در هستی‌شناسی استعلایی و انسان-شناسی اخلاق‌محور ریشه داشت. تبیین فلسفی و کلامی و دین‌شناختی این نوع رهیافت به هستی و انسان و جایگاه او در جهان، مستلزم مذاقه‌ای جامع، روشمند و واقع‌گراست.

جامع از این نظر که موسی‌صدر را نباید در دایره تنگ روحانیت شیعی و نقش او در سامان‌بخشی به شیعیان لبنان تعریف کرده، کارویژه وی

را به آنچه او در دوده حضورش در لبنان به سرانجام رساند تقلیل داد. دایره عمل و تأثیرگذاری او بسی فراتر از این مقولات محدود است. ای بسا اگر امام‌صدر بدین زودی و آسانی از میان ما نمی‌رفت، در سنین پختگی خویش بنیان‌های تئوریک فعالیت‌های خود را سامان می‌داد تا شاهد قرائتی پیشرو و انسانی از اسلام و تشیع می‌بودیم. افسوس که این‌گونه نشد.

روشنند نیز از این جنبه که مطالعه بر روی آثار و احوال و افکار موسی‌صدر باید همچون یک پروژه دانشگاهی دیده‌شود و با آن همان رود که با اندیشه‌های امثال گاندی و ماندلا رفته‌است. در دیپارتمان‌های دین‌شناسی و سیاست-پژوهی در مراکز علمی سراسر جهان باید دلایل و علل توفیقات و کامیابی‌های خارق‌العاده او بررسی و الگوریتم رفتاری وی طراحی و تبیین گردد؛ به‌ویژه در روزگار فعلی که موج اسلام‌هراسی و شیعه‌ستیزی در جهان و منطقه به راه افتاده‌است.

واقع‌گرایی در شناخت سیدموسی‌صدر از اهمّ واجبات می‌باشد. شخصیت‌های تاریخی همانند او همواره با آفت اسطوره‌سازی و قهرمان‌پروری مواجه هستند. شکی نیست که امام‌صدر چهره‌ای کاملاً استثنایی و کم‌نظیر در تاریخ معاصر بوده‌است؛ اما این بدان معنا نیست که وی عاری از خطا در تحلیل و اشتباه در عمل بود. همین سفر آخر او مصداق بارز عدم دقت در محاسبه میزان قدرت دشمنانش بود. بنابراین باید در روایت پیروزی‌های او در عرصه سیاست منطقه‌ای از دایره واقعیت خارج نشده از سیمای کاریزماتیک او موجودی فوق بشری نسازیم.

در 42 سالی که از ربوده‌شدن امام می‌گذرد، به همت دوستداران وی و روزنامه‌نگاران و محققان، مطالب پرشماری حول محور اندیشه و عمل او تألیف و تصنیف شده‌است؛ اما ظاهراً تنها پژوهش علمی و دانشگاهی که به زبان فارسی درباره شیوه رهبری امام‌موسی‌صدر انجام شده، اثر ارزشمند دکتر محمود سریع‌القلم است. وی در کتابی به نام «پیشوایی فراتر از زمان»، نظام فکری و سیره عملی موسی‌صدر را به نحو سیستماتیک کاویده‌است. جای آن است که پژوهش‌هایی از این دست، هرکدام به جنبه‌ای از جوانب این پدیده نادر بپردازند.

به هر روی فصلنامه خاطرات سیاسی در آغاز راهی که غایت آن شناخت عمیق وقایع تاریخی و درس‌آموزی از آن در وانفسای کنونی است، در این شماره بر آن شد که به قدر مقدور، به این شخصیت بزرگ معاصر پرداخته، یادآور شود که شیوه‌ای که او در پیش گرفته‌بود، به گواهی تاریخ، پاسخگوی نیازهای پیچیده جهان امروز است در عین حال که آبرویی برای اسلام و دیانت می‌خرد. مسؤولان فعلی باید پندار، گفتار و کردار او را که بر کرامت انسان و تحمل و مدارا مبتنی بود، الگوی خود در عمل سازند تا شاهد گرویدن افواج جوانان به دین و

معنویت گردند نه گریز از دین سیاسی و سیاست دینی.